

تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده با نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در دانشجو-معلمان

سهراب صادقی^۱، محبوبه فولادچنگ^۲، فرهاد خرمایی^۳، راضیه شیخ‌الاسلامی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

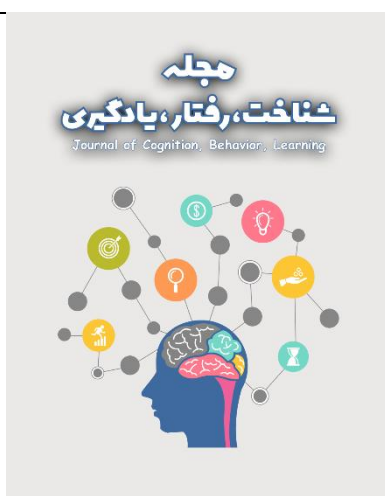
* ایمیل نویسنده مسئول: foolad@shirazu.ac.ir

تاریخ چاپ: ۱۴۰۶/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷



شیوه استناددهی: صادقی، سهراب، فولادچنگ، محبوبه، خرمایی، فرهاد، و شیخ‌الاسلامی، رستم. (۱۴۰۶). تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده با نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در دانشجو-معلمان. شناخت، رفتار، یادگیری، ۴(۳)، ۲۱-۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده با نقش میانجی متوالی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در دانشجو-معلمان انجام شد. این پژوهش توصیفی-همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که ۴۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پس از شناسایی و حذف ۱۲ داده پرت با استفاده از فاصله مالهانویس، داده‌های ۴۶۸ نفر تحلیل شد. داده‌ها با استفاده از مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، مقیاس ایمنی در نظام خانواده، مقیاس ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و پرسشنامه رابطه مثبت با خود گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS-۲۷ و AMOS-۲۷ و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و بوت‌استرپ انجام گرفت. مدل نهایی از برازش مطلوبی برخوردار بود ($\chi^2/df = 2.21$, $GFI = 0.91$, $FI = 0.93$, $R^2 = 0.49$, $CFI = 0.93$). ایمنی هیجانی در خانواده اثر مثبت و معناداری بر ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی داشت ($\beta = 0.642$, $P = 0.001$) و اثر منفی و معناداری بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نشان داد ($\beta = -0.233$, $P = 0.002$). ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی بر رابطه مثبت با خود اثر مثبت و معنادار ($\beta = 0.800$, $P = 0.001$) و بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی اثر منفی و معنادار داشت ($\beta = -0.418$, $P = 0.002$). اثر مستقیم رابطه مثبت با خود بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی معنادار نبود ($\beta = -0.061$, $P = 0.592$). اثر غیرمستقیم ایمنی هیجانی بر اعتیاد از طریق ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی معنادار بود ($\beta = -0.268$, $P = 0.001$) و مسیر میانجی متوالی ایمنی هیجانی ← ارضای نیازها ← رابطه مثبت با خود ← اعتیاد نیز معنادار شد ($\beta = -0.31$, $P = 0.0038$). مدل ۳۴٫۲ درصد از واریانس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را تبیین کرد. ایمنی هیجانی در خانواده و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، به صورت مستقیم و از طریق مسیرهای میانجی، نقش مهمی در کاهش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارند و رابطه مثبت با خود عمدتاً در قالب مسیر میانجی متوالی اهمیت می‌یابد؛ بنابراین، مداخلات پیشگیرانه و آموزشی برای دانشجو-معلمان باید هم‌زمان بر تقویت امنیت خانوادگی، ارضای نیازهای روان‌شناختی و ارتقای رابطه مثبت با خود تمرکز کنند.

کلیدواژه‌گان: ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، دانشجو-معلمان، مدل‌یابی معادلات ساختاری

Cognition, Behavior, Learning

Explaining Social Media Addiction Based on Emotional Security in the Family, with the Mediating Roles of Basic Psychological Need Satisfaction and Positive Relationship with Self among Student Teachers

Sohrab Sadeghi¹, Mahboobeh Fouladchang^{2*}, Farhad Khormaei², Razieh Sheikholeslami²

1. Ph.D. Student, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

*Corresponding Author's Email: foolad@shirazu.ac.ir

Submit Date: 2026-06-28

Revise Date: 2026-09-10

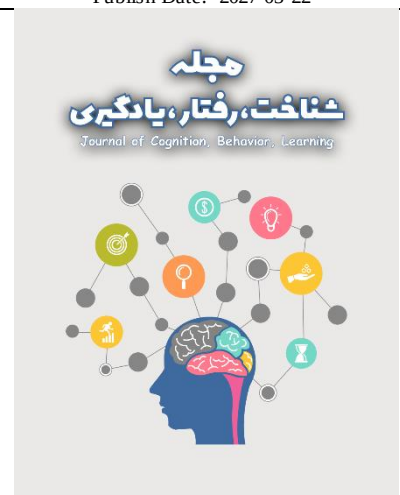
Accept Date: 2026-09-28

Publish Date: 2027-05-22

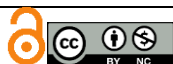
Abstract

This study aimed to explain social media addiction based on emotional security in the family through the sequential mediating roles of basic psychological need satisfaction and positive relationship with self among student teachers. This descriptive-correlational study employed structural equation modeling. The statistical population comprised student teachers at Farhangian University of Shiraz during the 2025–2026 academic year. Using multistage cluster sampling, 480 participants were recruited; after identifying and removing 12 multivariate outliers based on Mahalanobis distance, data from 468 participants were analyzed. Data were collected using the Social Network Addiction Scale, Security in the Family System Scale, Basic Psychological Need Satisfaction Scale, and Positive Self-Relation Scale. Structural equation modeling and bootstrap procedures were conducted using SPSS-27 and AMOS-27. The final model demonstrated an acceptable fit to the data ($\chi^2/df=2.21$, GFI=0.91, IFI=0.93, CFI=0.93, RMSEA=0.049). Emotional security in the family had a significant positive effect on basic psychological need satisfaction ($\beta=0.642$, $P=0.001$) and a significant negative effect on social media addiction ($\beta=-0.233$, $P=0.002$). Basic psychological need satisfaction significantly predicted positive relationship with self ($\beta=0.800$, $P=0.001$) and negatively predicted social media addiction ($\beta=-0.418$, $P=0.002$). The direct effect of positive relationship with self on social media addiction was not significant ($\beta=-0.061$, $P=0.592$). The indirect effect of emotional security on social media addiction through basic psychological need satisfaction was significant ($\beta=-0.268$, $P=0.001$). Furthermore, the sequential indirect pathway from emotional security through basic psychological need satisfaction and positive relationship with self to social media addiction was significant ($\beta=-0.031$, $P=0.038$). Overall, the model explained 34.2% of the variance in social media addiction. Emotional security in the family and satisfaction of basic psychological needs play important direct and indirect roles in reducing social media addiction, while positive relationship with self appears to exert its influence primarily within a sequential mediating pathway; therefore, preventive and educational interventions for student teachers should simultaneously strengthen family emotional security, psychological need satisfaction, and positive self-relations.

Keywords: emotional security in the family, basic psychological need satisfaction, positive relationship with self, social media addiction, student teachers, structural equation modeling



How to cite: Sadeghi, S., Fouladchang, M., Khormaei, F., Sheikholeslami, R. (2027). Explaining Social Media Addiction Based on Emotional Security in the Family, with the Mediating Roles of Basic Psychological Need Satisfaction and Positive Relationship with Self among Student Teachers. *Cognition, Behavior, Learning*, 4(3), 1-21.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

گسترش فناوری‌های ارتباطی و فراگیرشدن شبکه‌های اجتماعی در دو دهه اخیر، شیوه تعامل، یادگیری، تبادل اطلاعات و شکل‌گیری روابط اجتماعی را در میان گروه‌های مختلف جامعه به‌طور بنیادین دگرگون کرده است. شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن امکان برقراری ارتباط سریع، دسترسی به منابع متنوع اطلاعاتی، دریافت بازخورد اجتماعی، مشارکت در گروه‌های مجازی و ابراز هویت فردی، به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره به‌ویژه در میان نوجوانان و دانشجویان تبدیل شده‌اند. باین‌حال، استفاده از این فضاها همواره در سطحی متعادل و کارکردی باقی نمی‌ماند و در برخی افراد می‌تواند به الگویی افراطی، مکرر و دشوارکنترل‌شونده تبدیل شود که با اشتغال ذهنی مداوم، افزایش تدریجی زمان استفاده، ناتوانی در کاهش یا توقف حضور در شبکه‌های اجتماعی، بروز ناراحتی هنگام عدم دسترسی و ادامه استفاده علی‌رغم پیامدهای منفی همراه است. این الگو عموماً تحت عنوان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی شناخته می‌شود و در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در حوزه سلامت روان و روان‌شناسی فضای مجازی تبدیل شده است (Amirthalingam & Khera, 2024). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی صرفاً به افزایش زمان استفاده محدود نیست، بلکه می‌تواند با مجموعه‌ای از مشکلات شناختی، هیجانی، اجتماعی و تحصیلی همراه باشد و کیفیت زندگی فرد را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار دهد (Zhan & Zhu, 2025).

دانشجویان یکی از گروه‌هایی هستند که در معرض خطر بیشتری برای استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی قرار دارند. دوره دانشجویی با تغییراتی در سبک زندگی، افزایش استقلال فردی، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، گسترش شبکه‌های ارتباطی، افزایش مسئولیت‌های تحصیلی و مواجهه با فشارهای جدید اجتماعی و روان‌شناختی همراه است. در چنین شرایطی، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند هم به‌عنوان ابزاری برای ارتباط و یادگیری و هم به‌عنوان وسیله‌ای برای اجتناب از فشارهای روزمره مورد استفاده قرار گیرند. نتایج یک فراتحلیل جهانی نشان داده است که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با کاهش پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط داشته باشد و شدت استفاده مشکل‌زا از این رسانه‌ها با پیامدهای نامطلوب آموزشی همراه است (Salari et al., 2025). همچنین، پژوهش‌های انجام‌شده در محیط‌های دانشگاهی نشان داده‌اند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با کاهش مشارکت تحصیلی، اختلال در کیفیت خواب و افزایش خستگی ارتباط دارد (Khalaf et al., 2025). از سوی دیگر، یافته‌های پژوهشی در دانشجویان نشان می‌دهد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در کنار استرس تحصیلی و کیفیت نامطلوب خواب، با افزایش نشانه‌های اضطرابی همراه باشد (Zheng & Peng, 2025). بنابراین، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در جمعیت دانشجویی مسئله‌ای چندبعدی است که هم پیامدهای آموزشی و هم پیامدهای روان‌شناختی آن باید مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت این مسئله زمانی بیشتر آشکار می‌شود که پیامدهای سلامت روان مرتبط با استفاده اعتیادگونه از شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها نشان داده‌اند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با اضطراب، افسردگی، تنهایی، ترس از دست دادن و عزت‌نفس پایین ارتباط معناداری دارد (Zhang et al., 2025). این یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در صورت استفاده کنترل‌نشده می‌توانند از بستری برای ارتباط اجتماعی به عاملی مرتبط با آسیب‌پذیری روان‌شناختی تبدیل شوند. از سوی دیگر، رابطه میان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و مشکلات سازگاری روان‌شناختی احتمالاً رابطه‌ای ساده و خطی نیست و متغیرهایی مانند اشتیاق شدید به شبکه‌های اجتماعی و خودکنترلی می‌توانند در این میان نقش میانجی ایفا کنند (Pamuk, 2026). همچنین، مداخلات شناختی-رفتاری در دانشجویان نشان داده‌اند که کاهش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند همراه با بهبود برخی شاخص‌های روان‌شناختی، کیفیت روابط خانوادگی و عملکرد تحصیلی باشد (Abbas et al., 2026). این یافته‌ها بر ضرورت شناسایی عوامل زیربنایی و فرایندهایی تأکید دارند که ممکن است فرد را نسبت به شکل‌گیری یا تداوم الگوهای اعتیادگونه استفاده از شبکه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر سازند.

در تبیین این پدیده، نمی‌توان تنها بر ویژگی‌های فردی یا میزان استفاده از فناوری تمرکز کرد، بلکه باید زمینه‌های بین‌فردی و خانوادگی را نیز مورد توجه قرار داد. خانواده نخستین و یکی از پایدارترین محیط‌های اجتماعی است که فرد در آن امنیت، پذیرش، تعلق، حمایت و الگوهای تنظیم هیجان را تجربه می‌کند. کیفیت روابط خانوادگی می‌تواند تعیین کند که فرد تا چه اندازه برای مقابله با فشارهای روان‌شناختی و تأمین

نیازهای ارتباطی خود به منابع بیرونی و مجازی متوسل شود. شواهد جدید نشان داده‌اند که محیط خانواده در رابطه میان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و مشکلاتی مانند اضطراب و افسردگی در دانشجویان نقش معناداری دارد (Jameel et al., 2026). همچنین، انسجام خانوادگی کمتر با شدت بیشتر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ارتباط داشته و اضطراب می‌تواند بخشی از این رابطه را میانجی‌گری کند (Süzen Keşen et al., 2025). در همین راستا، مدل‌های مرتبط با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز نشان داده‌اند که کارکرد خانواده می‌تواند به‌طور مستقیم و از طریق فرایندهای روان‌شناختی بر میزان گرایش افراد به استفاده اعتیادگونه از شبکه‌های اجتماعی اثر بگذارد (Zeinali & Zeinali, 2023).

در این میان، مفهوم ایمنی هیجانی در خانواده می‌تواند چارچوب مناسبی برای فهم دقیق‌تر نقش خانواده در شکل‌گیری الگوهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی فراهم کند. ایمنی هیجانی به ادراک فرد از ثبات، حمایت، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت در روابط خانوادگی اشاره دارد. هنگامی که فرد محیط خانواده را حمایتگر و باثبات تجربه می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که روابط بین‌فردی خود را منبعی برای دریافت آرامش، تعلق و پذیرش بداند. در مقابل، تجربه تعارض‌های پایدار، روابط تنش‌آلود، سبک‌های ارتباطی ناکارآمد و ناامنی هیجانی می‌تواند فرد را به استفاده از محیط‌های جایگزین برای تنظیم هیجان یا دریافت تأیید سوق دهد. شواهد نشان داده است که الگوهای ارتباطی خانوادگی با وابستگی به فضای مجازی ارتباط دارند و این رابطه می‌تواند از طریق نیازهای اساسی روان‌شناختی توضیح داده شود (Jorfi & Hakim, 2025). همچنین، پژوهش‌ها درباره سبک‌های فرزندپروری نامناسب نشان داده‌اند که فرزندپروری خشن می‌تواند از طریق افزایش دشواری‌های تنظیم هیجان و شناخت‌های ناسازگارانه، با اعتیاد به اینترنت ارتباط پیدا کند (Wang et al., 2024). این شواهد نشان می‌دهد که ناامنی در روابط خانوادگی ممکن است از طریق تضعیف منابع هیجانی و روان‌شناختی فرد، زمینه استفاده ناسازگارانه از فضای مجازی را فراهم کند. یکی از سازوکارهای روان‌شناختی مهمی که می‌تواند ارتباط میان شرایط خانوادگی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را توضیح دهد، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی است. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، سه نیاز بنیادی خودپیروی، شایستگی و ارتباط از نیازهای جهان‌شمول انسان هستند و ارضای آن‌ها برای رشد سالم، انگیزش خودمختار، سازگاری و بهزیستی روان‌شناختی ضروری است (Ryan & Deci, 2024). خودپیروی به تجربه اختیار و احساس انتخاب در رفتارها، شایستگی به احساس توانمندی و اثربخشی و ارتباط به احساس تعلق و پیوند معنادار با دیگران اشاره دارد. زمانی که محیط اجتماعی و خانوادگی شرایط مناسبی برای ارضای این نیازها فراهم کند، فرد منابع درونی بیشتری برای تنظیم رفتار، مدیریت هیجان و شکل‌دهی روابط سازگارانه در اختیار خواهد داشت. در مقابل، ناکامی این نیازها می‌تواند زمینه جست‌وجوی راه‌های جایگزین برای کسب تعلق، احساس کفایت یا تجربه کنترل را افزایش دهد.

فضای شبکه‌های اجتماعی به دلیل امکان دریافت بازخورد سریع، برقراری ارتباط مستمر، ارائه خود و دریافت تأیید اجتماعی می‌تواند برای افرادی که نیازهای روان‌شناختی آنان در محیط واقعی به‌طور کافی ارضا نمی‌شود، جذابیت ویژه‌ای داشته باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نارضایتی از نیازهای اساسی روان‌شناختی و فقدان حمایت اجتماعی با استفاده مشکل‌زا از اینترنت در بزرگسالان نوظهور ارتباط دارد و خودکارآمدی تنظیم هیجان می‌تواند در این رابطه نقش میانجی داشته باشد (Celikkaleli & Ata, 2025). همچنین، سبک‌های دلبستگی، دشواری در تنظیم هیجان و نیازهای اساسی روان‌شناختی از جمله عوامل مرتبط با شدت اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی معرفی شده‌اند (Nigar & Can, 2025). افزون بر این، شواهد نشان می‌دهد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای رفتاری و تحصیلی مرتبط است؛ برای مثال، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند رابطه میان ارضای نیازهای اساسی و اهمال‌کاری تحصیلی را میانجی‌گری کند (Kurker & Surucu, 2024). چنین یافته‌هایی نشان می‌دهد که نیازهای روان‌شناختی نه تنها با سلامت و سازگاری فرد مرتبط‌اند، بلکه می‌توانند شیوه استفاده او از فناوری و شبکه‌های اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

ارتباط نیازهای روان‌شناختی با کیفیت روابط نزدیک نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یافته‌ها نشان داده‌اند که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در روابط می‌تواند با رضایت رابطه مرتبط باشد و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و رفتار نادیده‌گرفتن دیگران به دلیل استفاده از

تلفن همراه می‌توانند بخشی از این ارتباط را توضیح دهند (Karaman & Arslan, 2024). این نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی تنها پیامد ناکامی نیازها نیستند، بلکه استفاده اعتیادگونه از آن‌ها می‌تواند خود به عاملی تبدیل شود که کیفیت روابط واقعی و رضایت از ارتباطات بین‌فردی را تضعیف می‌کند. در همین راستا، یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که نیازهای اساسی روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارند و اعتیاد به اینستاگرام می‌تواند بخشی از این رابطه را میانجی‌گری کند (Sharifi Fard et al., 2024). بنابراین، ارضای نیازهای روان‌شناختی را می‌توان حلقه‌ای اساسی در ارتباط میان کیفیت محیط اجتماعی، تجربه فرد از خود و نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفت.

در کنار نیازهای اساسی روان‌شناختی، نحوه ارتباط فرد با خود نیز می‌تواند یکی دیگر از سازوکارهای مؤثر در شکل‌گیری یا کاهش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی باشد. رابطه مثبت با خود مفهومی است که ابعادی مانند خودپذیری، اعتمادبه‌نفس، اصالت، قاطعیت و رضایت درونی را شامل می‌شود. افرادی که رابطه مثبت‌تری با خود دارند، معمولاً ارزشمندی خود را کمتر به ارزیابی مداوم دیگران وابسته می‌کنند و در مواجهه با بازخوردهای اجتماعی از ثبات روان‌شناختی بیشتری برخوردارند. در مقابل، ضعف در خودپذیری و وابستگی شدید به تأیید بیرونی می‌تواند فرد را مستعد جست‌وجوی ارزشمندی از طریق لایک، نظر، دنبال‌کننده و سایر نشانه‌های تأیید اجتماعی در فضای مجازی سازد. شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که عزت‌نفس می‌تواند در رابطه میان معنا در زندگی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی داشته باشد (Akdağ & Ünsal, 2024). همچنین، نتایج پژوهش‌های مربوط به خودپذیری نشان داده‌اند که آگاهی هیجانی می‌تواند به‌طور مستقیم و از طریق راهبردهای تنظیم هیجان با خودپذیری ارتباط داشته باشد (Huang et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع مواجهه فرد با هیجان‌ها و ارزیابی او از خویشتن ممکن است در نحوه تنظیم رفتارهای آنلاین نیز نقش داشته باشد.

اهمیت رابطه فرد با خود در زمینه شبکه‌های اجتماعی از آن جهت است که این فضاها تا حد زیادی بر مقایسه اجتماعی، ارائه خود و دریافت بازخورد بیرونی استوار هستند. هنگامی که فرد احساس ارزشمندی خود را به بازخورد دیگران وابسته می‌کند، احتمال دارد استفاده از شبکه‌های اجتماعی به ابزاری برای کسب تأیید و تنظیم تصویر خود تبدیل شود. پژوهش‌ها در میان کاربران اینستاگرام نیز نشان داده‌اند که نیاز به بازخورد اجتماعی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در ارتباط با سلامت اجتماعی و گرایش‌های رفتاری افراد نقش واسطه‌ای ایفا کنند (Esmaeili Anamagh et al., 2025). بنابراین، رابطه مثبت با خود می‌تواند از نظر نظری به‌عنوان یکی از حلقه‌های میانجی میان تجربه‌های روان‌شناختی بنیادی و رفتارهای مرتبط با شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفته شود. با این حال، این احتمال وجود دارد که تأثیر رابطه مثبت با خود زمانی آشکارتر شود که در کنار متغیرهایی اساسی‌تر، مانند ارضای نیازهای روان‌شناختی و امنیت روابط خانوادگی، بررسی شود. بر این اساس، می‌توان فرایندی چندمرحله‌ای را تصور کرد که در آن ایمنی هیجانی خانواده ابتدا زمینه ارضای بهتر نیازهای اساسی روان‌شناختی را فراهم می‌کند؛ ارضای این نیازها به نوبه خود می‌تواند به شکل‌گیری رابطه‌ای مثبت‌تر و منسجم‌تر با خود منجر شود و در نهایت وابستگی فرد به شبکه‌های اجتماعی برای جبران کمبودهای هیجانی، ارتباطی یا ارزشی کاهش یابد. چنین الگویی با پژوهش‌هایی همخوانی دارد که از نقش میانجی نیازهای روان‌شناختی در ارتباط میان کارکرد خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی حمایت کرده‌اند (Zeinali & Zeinali, 2023) و نیز با یافته‌هایی سازگار است که نشان می‌دهند عوامل خانوادگی، نیازهای روان‌شناختی و سازوکارهای خودتنظیمی باید در کنار یکدیگر برای تبیین استفاده ناسازگارانه از فضای مجازی بررسی شوند (Celikkaleli & Ata, 2025; Jorfi & Hakim, 2025). همچنین، شواهد مربوط به نقش اضطراب، تنظیم هیجان، خودکنترلی و محیط خانواده در اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که این پدیده نتیجه یک عامل منفرد نیست، بلکه از برهم‌کنش متغیرهای خانوادگی، شناختی، هیجانی و انگیزشی شکل می‌گیرد (Jameel et al., 2026; Pamuk, 2026; Süzen Keşen et al., 2025).

با وجود رشد پژوهش‌ها در این حوزه، هنوز خلأ مهمی در ادبیات موجود مشاهده می‌شود. بخش قابل‌توجهی از مطالعات پیشین تنها روابط دو یا سه متغیر را بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، برخی بر ارتباط کارکرد خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی تمرکز داشته‌اند (Zeinali &

(Zeinali, 2023)، برخی دیگر نقش نیازهای اساسی روان‌شناختی را در استفاده مشکل‌زا از اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند (Celikkaleli & Ata, 2025; Nigar & Can, 2025) و گروه دیگری به سازه‌های مرتبط با خود، مانند عزت‌نفس یا خودپذیری پرداخته‌اند (Akdağ & Ünsal, 2024; Huang et al., 2024). همچنین، مرورهای نظام‌مند جدید بر چندعاملی بودن اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و ویدئوهای کوتاه تأکید دارند و نشان می‌دهند که متغیرهای فردی، بین‌فردی و محیطی باید به‌طور هم‌زمان در مدل‌های تبیینی در نظر گرفته شوند (Zhan & Zhu, 2025). بااین‌حال، بررسی ایمنی هیجانی در خانواده به‌عنوان متغیر زمینه‌ای، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌عنوان نخستین حلقه میانجی و رابطه مثبت با خود به‌عنوان دومین حلقه میانجی در یک مسیر متوالی، به‌ویژه در جمعیت دانشجو-معلم، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

دانشجو-معلم از این حیث گروهی ویژه به شمار می‌روند که هم‌زمان در حال تجربه الزامات دوران دانشجویی و آماده‌شدن برای نقش حرفه‌ای معلمی هستند. سلامت روان، مهارت‌های خودتنظیمی و نحوه استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی نه تنها بر عملکرد تحصیلی و زندگی فردی آن‌ها اثر می‌گذارد، بلکه می‌تواند در آینده بر کیفیت عملکرد حرفه‌ای آنان نیز بازتاب یابد. با توجه به نقش الگویی معلم در نظام آموزشی، شناسایی سازوکارهای مرتبط با استفاده اعتیادگونه از شبکه‌های اجتماعی در این گروه از نظر پیشگیری و مداخله اهمیت مضاعفی دارد. از سوی دیگر، مطالعات مداخله‌ای نشان داده‌اند که مشکلات مرتبط با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی قابلیت تغییر دارند و مداخلات روان‌شناختی می‌توانند هم‌زمان برخی پیامدهای فردی، خانوادگی و تحصیلی را بهبود دهند (Abbas et al., 2026). بنابراین، شناسایی مسیرهای ساختاری میان متغیرهای خانوادگی و روان‌شناختی می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات هدفمندتر در محیط‌های دانشگاهی فراهم کند.

از منظر روش‌شناختی نیز بررسی هم‌زمان روابط مستقیم و غیرمستقیم میان چند سازه نیازمند رویکرد تحلیلی است که امکان آزمون ساختارهای پیچیده و میانجی‌گری‌های متوالی را فراهم کند. مدل‌یابی معادلات ساختاری یکی از روش‌های مناسب برای آزمون چنین الگوهایی است، زیرا به پژوهشگر اجازه می‌دهد روابط بین متغیرهای مکنون، مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم و میزان برازش مدل نظری با داده‌های تجربی را به‌طور هم‌زمان بررسی کند (Hair et al., 2025). بهره‌گیری از چنین رویکردی در پژوهش حاضر می‌تواند فراتر از همبستگی‌های ساده، الگویی منسجم از ارتباط میان ایمنی هیجانی خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ارائه دهد و مشخص سازد که نقش هر یک از این متغیرها در ساختار کلی روابط چگونه است.

در مجموع، شواهد موجود نشان می‌دهد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان پدیده‌ای چندعاملی است که با پیامدهای روان‌شناختی، تحصیلی و بین‌فردی متعددی همراه است (Salari et al., 2025; Zhang et al., 2025; Zheng & Peng, 2025). از سوی دیگر، محیط خانواده و کیفیت روابط آن می‌تواند زمینه مهمی برای شکل‌گیری منابع یا آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی فراهم کند (Jameel et al., 2025; Süzen Keşen et al., 2026). ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که می‌تواند اثر محیط اجتماعی بر سازگاری و رفتار فرد را منتقل کند (Kurker & Surucu, 2024; Ryan & Deci, 2024) و رابطه مثبت با خود می‌تواند در ادامه این فرایند، کیفیت مواجهه فرد با خود و میزان وابستگی او به تأیید بیرونی را تحت تأثیر قرار دهد (Akdağ & Ünsal, 2024; Huang et al., 2024). براین اساس، تدوین مدلی که این متغیرها را در یک مسیر یکپارچه و متوالی بررسی کند، می‌تواند به فهم دقیق‌تری از سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشجو-معلم منجر شود.

هدف پژوهش حاضر تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده با نقش میانجی متوالی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در دانشجو-معلم دانشگاه فرهنگیان شیراز بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی - همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ تشکیل دادند. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. در مجموع، ۴۸۰ پرسشنامه گردآوری شد که پس از بررسی و پالایش داده‌ها و شناسایی داده‌های پرت با استفاده از فاصله ماکس-کوینس، ۱۲ پرسشنامه حذف و در نهایت داده‌های ۴۶۸ نفر برای تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت. از میان شرکت‌کنندگان، ۱۹۳ نفر (۴۱/۲ درصد) مرد و ۲۷۵ نفر (۵۸/۸ درصد) زن بودند. از نظر وضعیت خوابگاهی، ۱۵۲ نفر (۷۸/۸ درصد) از مردان خوابگاهی و ۴۱ نفر (۲۱/۲ درصد) ترددی بودند. همچنین، در میان زنان، ۲۰۲ نفر (۷۳/۵۰ درصد) خوابگاهی و ۷۳ نفر (۲۶/۵۰ درصد) ترددی بودند.

معیارهای ورود به پژوهش شامل اشتغال به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان شیراز، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، تمایل به تکمیل پرسشنامه‌ها و ارائه پاسخ‌های کامل به گویه‌ها بود. ناقص بودن پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه همکاری نیز به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. شرکت‌کنندگان پس از آگاهی از اهداف پژوهش و نحوه پاسخ‌گویی به ابزارها، به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند و محرمانگی اطلاعات آنان رعایت شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای سنجش ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی استفاده شد که در ادامه، هر یک از این ابزارها معرفی می‌شوند. به منظور بررسی روایی سازه و پایایی ابزارها نیز به ترتیب از تحلیل عاملی تأییدی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۷ انجام گرفت و برای آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها، از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی (SNAS): مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی توسط Shahnawaz et al. (2020) طراحی شده است. این مقیاس شامل ۲۱ گویه است که بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود و شش بُعد برجستگی (۴ گویه)، تغییر خلق (۳ گویه)، تحمل (۳ گویه)، علائم ترک (۴ گویه)، تعارض (۳ گویه) و عود (۴ گویه) را ارزیابی می‌کند. دامنه نمرات مقیاس از ۲۱ تا ۱۰۵ است و نمره بالاتر از ۶۰ نشان‌دهنده وضعیت اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. در مطالعه اصلی، ضرایب آلفای کرونباخ تمامی ابعاد بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شد. همچنین، نسخه ایرانی این مقیاس توسط Salehi Manzari et al. (2023) اعتباریابی شده و ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۹۷ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی سازه ابزار، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج نشان داد بارهای عاملی گویه‌ها در مؤلفه‌های برجستگی، اصلاح خلق، تحمل، محرومیت، تعارض و عود به ترتیب در دامنه‌های ۰/۶۸ تا ۰/۷۶، ۰/۶۰ تا ۰/۷۱، ۰/۶۷ تا ۰/۸۵، ۰/۸۰ تا ۰/۸۵، ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ و ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ قرار داشت. تمامی گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از مقدار ملاک ۰/۳۰ بودند؛ بنابراین، هیچ‌یک از گویه‌ها حذف نشد و هر ۲۱ گویه در تحلیل نهایی باقی ماند. همچنین، برای بررسی پایایی مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای مؤلفه‌های برجستگی، اصلاح خلق، تحمل، محرومیت، تعارض و عود به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۹، ۰/۸۲، ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آمد. این نتایج نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب و پایایی قابل قبول مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی است.

پرسشنامه ایمنی هیجانی در خانواده (SIFS): مقیاس ایمنی هیجانی در خانواده، ابزاری استاندارد است که توسط Forman and Davies (2005) بر پایه نظریه ایمنی هیجانی (Davies and Cummings (1994) طراحی شده است. این مقیاس شامل ۲۲ گویه و سه مؤلفه ایمنی (۷ گویه)، مشغله ذهنی (۸ گویه) و کناره‌گیری (۷ گویه) است که بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود و دامنه نمره کل آن از ۲۲ تا ۱۱۰ است. در مطالعه اصلی، تحلیل عاملی تأییدی ساختار سه‌عاملی مقیاس را تأیید کرد و ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ایمنی، مشغله ذهنی و کناره‌گیری به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۴ گزارش شد (Cummings et al., 2001).

al., 2004). همچنین، Cantón-Cortés et al. (2020) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ و Khoemaei et al. (2023) نیز با تأیید ساختار سه‌عاملی، ضرایب ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ را برای این سه مؤلفه گزارش کردند. در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی روایی سازه پرسشنامه، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج، برازش مناسب ساختار سه‌عاملی شامل مؤلفه‌های ایمنی، مشغله ذهنی و کناره‌گیری را نشان داد. بارهای عاملی گویه‌ها در مؤلفه‌های ایمنی، مشغله ذهنی و کناره‌گیری به‌ترتیب در دامنه‌های ۰/۳۷ تا ۰/۷۸، ۰/۳۱ تا ۰/۷۸ و ۰/۵۷ تا ۰/۷۳ قرار داشت. گویه‌های ۱ و ۸ به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ حذف شدند. همچنین، برای بررسی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های ایمنی، مشغله ذهنی و کناره‌گیری به‌ترتیب ۰/۶۷، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی و پایایی مطلوب ابزار است.

پرسشنامه ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی (BPNS-G): مقیاس ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی توسط Gagne et al. (2005) بر اساس نظریه خودتعیین‌گری (Deci and Ryan (1985 طراحی شده است. این مقیاس شامل ۲۱ گویه و سه عامل خودپیروی (۷ گویه)، شایستگی (۶ گویه) و ارتباط (۸ گویه) است که بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شوند. برخی گویه‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری شده و دامنه نمره کل مقیاس از ۲۱ تا ۱۰۵ است. در مطالعات خارجی، ضرایب آلفای کرونباخ برای ارضای نیازها ۰/۷۳ تا ۰/۸۹ و برای ناکامی نیازها ۰/۶۴ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. (Gagne et al., 2005) همچنین، Wei et al. (2005) ضرایب آلفای کرونباخ خودپیروی، شایستگی، ارتباط و کل مقیاس را به‌ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۸۵ و ۰/۹۰ گزارش کردند. در ایران نیز Sheikholeslami and Daftarchi (2015) با تأیید برازش قابل قبول ساختار عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ خودپیروی، شایستگی، ارتباط و کل مقیاس را به‌ترتیب ۰/۸۸، ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ به دست آوردند. در پژوهش حاضر برای بررسی روایی سازه پرسشنامه ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج، برازش مناسب ساختار سه‌عاملی شامل خودپیروی، شایستگی و ارتباط را نشان داد. دامنه بارهای عاملی گویه‌ها در مؤلفه‌های خودپیروی، شایستگی و ارتباط به‌ترتیب ۰/۳۴ تا ۰/۸۰، ۰/۳۴ تا ۰/۸۰ و ۰/۴۳ تا ۰/۷۹ بود و با توجه به بالاتر بودن تمامی بارهای عاملی از ۰/۳۰، هیچ گویه‌ای حذف نشد. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های خودپیروی، شایستگی و ارتباط به‌ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی و پایایی مطلوب پرسشنامه است.

پرسشنامه رابطه مثبت با خود (PSRS): پرسشنامه رابطه مثبت با خود، ابزاری ۱۶ گویه‌ای است که توسط Ociskova et al. (2019) برای سنجش رابطه مثبت فرد با خود طراحی شده و چهار خرده‌مقیاس اعتماد به نفس، اصالت و قاطعیت، پذیرش خود و تجربه سرشار از زندگی (رضایت درونی) را ارزیابی می‌کند. گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۱ تا ۱۰ نمره‌گذاری می‌شوند و چهار گویه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند؛ دامنه نمرات کل از ۱ تا ۱۶۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده رابطه مثبت‌تر با خود است. در مطالعه اصلی، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۳ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۷۳ تا ۰/۸۰ و پایایی بازآزمایی دوهفته‌ای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۶۰ تا ۰/۸۲ گزارش شد. همچنین، روایی همگرا و واگرا با همبستگی مثبت با عزت نفس و همبستگی منفی معنادار با افسردگی، اضطراب اجتماعی و تجارب تجزیه‌ای تأیید شده است. این پرسشنامه تاکنون در ایران هنجاریابی نشده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی سازه پرسشنامه رابطه مثبت با خود، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج، برازش مناسب ساختار چهارعاملی شامل اعتماد به نفس، اصالت و قاطعیت، خودپذیری و رضایت درونی را نشان داد. دامنه بارهای عاملی گویه‌ها در این مؤلفه‌ها به‌ترتیب ۰/۴۵ تا ۰/۷۵، ۰/۵۲ تا ۰/۸۰، ۰/۴۹ تا ۰/۸۷ و ۰/۶۲ تا ۰/۷۴ بود. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های اعتماد به نفس، اصالت و قاطعیت، خودپذیری و رضایت درونی به‌ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۷۹ و ۰/۷۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی و پایایی مطلوب پرسشنامه است.

1. Basic Needs Satisfaction Scale in General (BPNS-G)

2. Positive Self-Relation Scale (PSRS)

یافته‌ها

در این پژوهش، در مجموع ۴۸۰ پرسش‌نامه گردآوری شد که پس از بررسی داده‌ها و شناسایی داده‌های پرت با استفاده از فاصله ماکس-کواریس، ۱۲ پرسش‌نامه حذف گردید. در نهایت، داده‌های ۴۶۸ دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان شیراز در پاییز ۱۴۰۴ برای تحلیل‌های نهایی مورد استفاده قرار گرفت. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی میان آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
۱. ایمنی هیجانی	۰/۴۶**	۱			۸۳/۷۶	۱۳/۰۵	۵۲	۱۱۰
۲. ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی	۰/۶۱**	۰/۵۸**	۱		۷۷/۵۴	۱۲/۰۹	۴۷	۱۰۵
۳. رابطه مثبت با خود	۰/۵۵**	۰/۵۵**	۰/۷۳**	۱	۱۱۹/۶۶	۲۳/۴۸	۵۷	۱۵۹
۴. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	۰/۲۹**	۰/۴۵**	۰/۵۰**	۰/۴۶**	۵۴/۹۱	۱۷/۰۱	۲۱	۹۹

** $P < 0.01$

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین ایمنی هیجانی در خانواده و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0.58$). همچنین، ایمنی هیجانی در خانواده با رابطه مثبت با خود رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داد ($r = 0.55$). ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز با رابطه مثبت با خود رابطه مثبت و معنی‌داری داشت ($r = 0.73$). در مقابل، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با ایمنی هیجانی در خانواده ($r = -0.45$)، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی ($r = -0.50$) و رابطه مثبت با خود ($r = -0.46$) رابطه منفی و معنی‌داری نشان داد ($P < 0.01$). به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، شاخص‌های کجی و کشیدگی محاسبه شد. نتایج نشان داد که مقادیر کجی برای ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، به‌ترتیب برابر با ۰/۰۲۲، ۰/۲۷۳، ۰/۳۱۱ و ۰/۰۵۰ بود. همچنین، مقادیر کشیدگی این متغیرها به‌ترتیب برابر با ۰/۲۵۲، ۰/۷۳۹، ۰/۸۸۲ و ۰/۶۶۰ به دست آمد. با توجه به قرار گرفتن مقادیر کجی در دامنه ۲- تا ۲+ و مقادیر کشیدگی در محدوده ۷- تا ۷+، توزیع متغیرهای پژوهش از وضعیت نرمال برخوردار بود (بایرن، ۲۰۱۰).

ارزیابی مدل پیشنهادی پژوهش: به‌منظور تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده، با در نظر گرفتن نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود، مدل پیشنهادی پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار AMOS آزمون شد. در این مدل، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌عنوان نخستین متغیر میانجی و رابطه مثبت با خود به‌عنوان دومین متغیر میانجی در نظر گرفته شد. شاخص‌های برازش مدل پیش و پس از اصلاحات در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی پژوهش

شاخص‌های برازش	χ^2/df	AGFI	IFI	GFI	CFI	RMSEA	PCLOSE
مقادیر مدل قبل از اصلاح	۳/۱۸	۰/۸۲	۰/۸۸	۰/۷۹	۰/۸۸	۰/۰۷۵	۰/۰۱۸
مقادیر مدل بعد از اصلاح	۲/۲۱	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۰۴۹	۰/۰۵۶۱
مقادیر قابل قبول	< 3	> 0.80	> 0.90	> 0.90	> 0.90	< 0.08	> 0.05

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، شاخص‌های برازش مدل اولیه در برخی موارد با مقادیر ملاک فاصله داشتند. پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی مدل و ایجاد کوواریانس میان برخی خطاهای اندازه‌گیری مربوط به گویه‌های یک عامل، شاخص‌های برازش بهبود یافتند، این نتایج نشان می‌دهد که مدل نهایی از برازش مناسبی با داده‌های پژوهش برخوردار است. در ادامه ضرایب مسیرهای مستقیم میان متغیرهای مدل پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری

مسیرها	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معنی داری	نتیجه
ایمنی هیجانی در خانواده ← ارضای نیازهای اساسی روان شناختی	۰/۶۴۲	۰/۰۸۳	۱۰/۷۲۵	۰/۵۵۶	۰/۷۱۶	۰/۰۰۱	معنی دار
ایمنی هیجانی در خانواده ← رابطه مثبت با خود	۰/۰۹۰	۰/۱۰۰	۱/۷۸۵	-۰/۰۲۳	۰/۱۹۰	۰/۰۹۸	غیر معنی دار
ایمنی هیجانی در خانواده ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۲۳۳	۰/۰۷۶	-۳/۷۴۸	-۰/۳۶۹	-۰/۰۸۷	۰/۰۰۲	معنی دار
ارضای نیازهای اساسی روان شناختی ← رابطه مثبت با خود	۰/۸۰۰	۰/۰۸۸	۱۲/۹۵۸	۰/۷۱۰	۰/۸۸۲	۰/۰۰۱	معنی دار
ارضای نیازهای اساسی روان شناختی ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۴۱۸	۰/۱۰۴	-۳/۵۵۸	-۰/۶۷۶	-۰/۱۵۱	۰/۰۰۲	معنی دار
رابطه مثبت با خود ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۰۶۱	۰/۰۶۷	-۰/۵۶۱	-۰/۳۰۰	۰/۱۷۵	۰/۵۹۲	غیر معنی دار

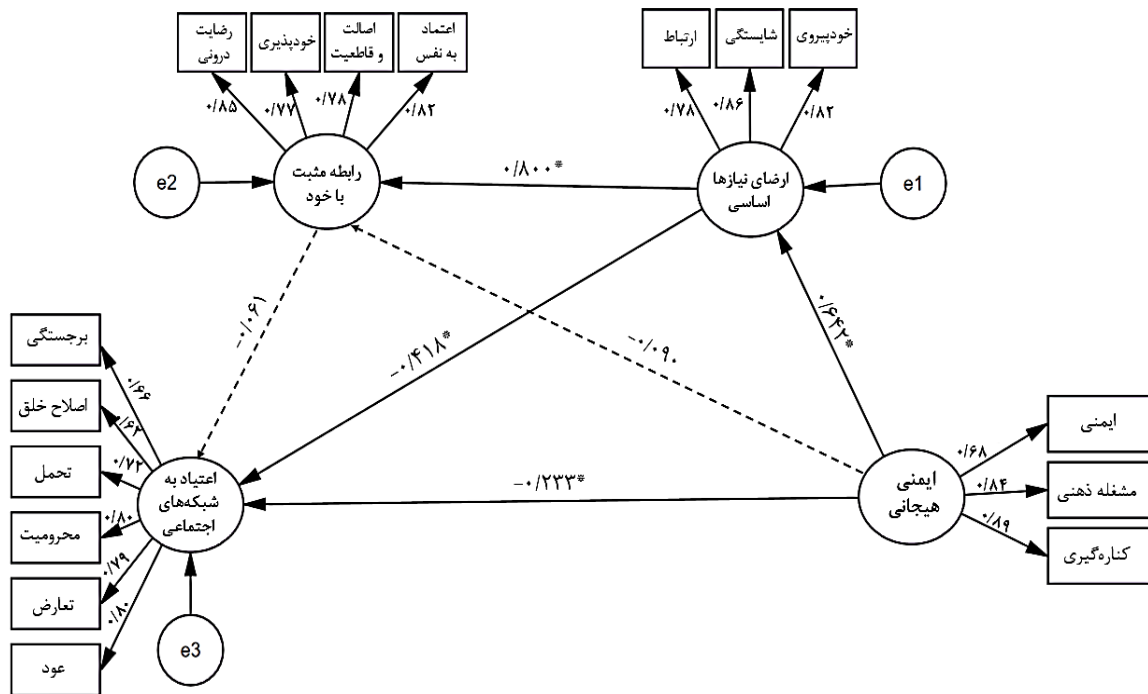
نتایج جدول ۳ نشان می دهد که ایمنی هیجانی در خانواده اثر مستقیم مثبت و معنی داری بر ارضای نیازهای اساسی روان شناختی دارد ($P=0/001$, $\beta=0/800$). همچنین، ارضای نیازهای اساسی روان شناختی اثر مستقیم مثبت و معنی داری بر رابطه مثبت با خود نشان داد ($\beta=0/098$, $P=0/001$). در مقابل، اثر مستقیم ایمنی هیجانی در خانواده بر رابطه مثبت با خود مثبت، اما از نظر آماری معنی دار نبود ($\beta=0/098$, $P=0/001$). از سوی دیگر، ایمنی هیجانی در خانواده اثر مستقیم منفی و معنی داری بر اعتیاد به شبکه های اجتماعی داشت ($\beta=-0/233$, $P=0/002$). همچنین، ارضای نیازهای اساسی روان شناختی اثر مستقیم منفی و معنی داری بر اعتیاد به شبکه های اجتماعی نشان داد ($\beta=-0/418$, $P=0/002$). باین حال، اثر مستقیم رابطه مثبت با خود بر اعتیاد به شبکه های اجتماعی منفی، اما از نظر آماری معنی دار نبود ($\beta=-0/061$, $P=0/592$). در مجموع، یافته های مربوط به مسیرهای مستقیم نشان می دهد که ایمنی هیجانی در خانواده با افزایش ارضای نیازهای اساسی روان شناختی همراه است و ارضای این نیازها نیز با افزایش رابطه مثبت با خود و کاهش اعتیاد به شبکه های اجتماعی ارتباط دارد. همچنین، ایمنی هیجانی در خانواده به طور مستقیم با کاهش اعتیاد به شبکه های اجتماعی همراه بود؛ در حالی که مسیر مستقیم ایمنی هیجانی در خانواده به رابطه مثبت با خود و نیز مسیر مستقیم رابطه مثبت با خود به اعتیاد به شبکه های اجتماعی از نظر آماری معنی دار نبود. در ادامه به منظور بررسی نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان شناختی و رابطه مثبت با خود در روابط بین متغیرهای مدل، اثرات غیرمستقیم با استفاده از روش بوت استرپ در نرم افزار AMOS بررسی شد. نتایج مربوط به اثرات غیرمستقیم و فواصل اطمینان حاصل از روش بوت استرپ در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. اثرات غیرمستقیم متغیرهای میانجی در مدل پژوهش

مسیرها	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معنی داری	نتیجه
۱) ایمنی هیجانی در خانواده ← ارضای نیازهای اساسی روان شناختی ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۲۶۸	۰/۰۵۶	-۰/۳۸۱	-۰/۱۶۲	۰/۰۰۱	معنی دار
۲) ایمنی هیجانی در خانواده ← رابطه مثبت با خود ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	-۰/۰۲۴	۰/۰۱۱	۰/۴۸۲	غیر معنی دار
۳) ایمنی هیجانی در خانواده ← ارضای نیازهای اساسی روان شناختی ← رابطه مثبت با خود ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۷	-۰/۰۶۷	-۰/۰۰۲	۰/۰۳۸	معنی دار
۴) ارضای نیازهای اساسی روان شناختی ← رابطه مثبت با خود ← اعتیاد به شبکه های اجتماعی	-۰/۰۴۹	۰/۰۱۹	-۰/۰۸۸	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۰	معنی دار

به منظور بررسی نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در ارتباط بین ایمنی هیجانی در خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، اثرات غیرمستقیم مسیرهای مدل با استفاده از روش بوت‌استرپ در نرم‌افزار **AMOS** بررسی شد. نتایج نشان داد که اثر غیرمستقیم ایمنی هیجانی در خانواده بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از طریق ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی معنی‌دار است ($P=0/001$, $\beta=0/162$ - تا $0/381$ - به دست آمد و صفر را دربرنگرفت؛ بنابراین، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین ایمنی هیجانی در خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی معنی‌داری ایفا می‌کند. در مقابل، اثر غیرمستقیم ایمنی هیجانی در خانواده بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از طریق رابطه مثبت با خود معنی‌دار نبود ($P=0/482$, $\beta=0/006$ -). فاصله اطمینان این اثر از $0/24$ - تا $0/11$ + به دست آمد که شامل صفر است. از این رو، یافته‌ها شواهد آماری کافی برای تأیید میانجی‌گری رابطه مثبت با خود در این مسیر فراهم نمی‌کنند. همچنین، بررسی اثر غیرمستقیم متوالی نشان داد که ایمنی هیجانی در خانواده از طریق ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و سپس رابطه مثبت با خود، به طور غیرمستقیم با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد ($P=0/031$, $\beta=0/038$ -). فاصله اطمینان این اثر از $0/67$ - تا $0/02$ - بود و صفر را شامل نمی‌شد. بنابراین، یافته‌ها از وجود یک مسیر میانجی متوالی حمایت می‌کنند که در آن ایمنی هیجانی در خانواده با افزایش ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی همراه شده و این امر از طریق رابطه مثبت با خود، به کاهش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مرتبط است. افزون بر این، اثر غیرمستقیم ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از طریق رابطه مثبت با خود نیز معنی‌دار به دست آمد ($P=0/049$, $\beta=0/10$ -). دامنه فاصله اطمینان این اثر بین $0/88$ - و $0/14$ - قرار داشت و صفر را دربرنگرفت؛ بنابراین، رابطه مثبت با خود در ارتباط بین ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی معنی‌داری دارد.

در مجموع، نتایج نشان داد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی هم به عنوان میانجی در رابطه بین ایمنی هیجانی در خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و هم به عنوان نخستین حلقه مسیر میانجی متوالی نقش معنی‌داری دارد. همچنین، رابطه مثبت با خود در مسیر میانجی متوالی و در ارتباط بین ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی معنی‌داری نشان داد؛ در حالی که میانجی‌گری آن در رابطه مستقیم ایمنی هیجانی در خانواده با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی معنی‌دار نبود. از سوی دیگر، ایمنی هیجانی در خانواده حدود $41/2$ درصد از واریانس ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی را تبیین کرد و ایمنی هیجانی در خانواده و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز در مجموع حدود $63/4$ درصد از واریانس رابطه مثبت با خود را تبیین کردند. همچنین، ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در مجموع حدود $34/2$ درصد از واریانس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را تبیین کردند. شکل ۱ مدل نهایی پژوهش و مسیرهای معنی‌دار آن را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل نهایی پژوهش

** $P < 0.01$

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر اساس ایمنی هیجانی در خانواده با نقش میانجی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در دانشجو-معلمان انجام شد. یافته‌های حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است و متغیرهای ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رابطه مثبت با خود در مجموع توانستند بخش قابل‌توجهی از واریانس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را تبیین کنند. همچنین، نتایج نشان داد که ایمنی هیجانی در خانواده اثر مستقیم مثبت و معناداری بر ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و اثر مستقیم منفی و معناداری بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارد. ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز اثر مثبت و معناداری بر رابطه مثبت با خود و اثر منفی و معناداری بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نشان داد. در مقابل، اثر مستقیم ایمنی هیجانی در خانواده بر رابطه مثبت با خود و اثر مستقیم رابطه مثبت با خود بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی معنادار نبود. در سطح روابط غیرمستقیم، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه میان ایمنی هیجانی در خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی معناداری داشت و مسیر میانجی متوالی ایمنی هیجانی در خانواده، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز معنادار بود. این مجموعه یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را نمی‌توان صرفاً پیامد ویژگی‌های فردی یا میزان دسترسی به فناوری دانست، بلکه تعامل میان کیفیت محیط خانوادگی و منابع روان‌شناختی درونی فرد در شکل‌گیری آن نقش مهمی دارد.

نخستین یافته پژوهش نشان داد که ایمنی هیجانی در خانواده اثر مستقیم مثبت و معناداری بر ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی دارد؛ به این معنا که هرچه دانشجو-معلمان خانواده خود را محیطی امن‌تر، حمایت‌گراتر و از نظر هیجانی باثبات‌تر ادراک کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که نیازهای آنان به خودپرویی، شایستگی و ارتباط ارضا شود. این یافته با نتایج پژوهش Zeinali و Zeinali (2023) که نقش کارکرد خانواده را در ارتباط با نیازهای اساسی روان‌شناختی مورد توجه قرار دادند، همسو است (Zeinali & Zeinali, 2023). همچنین، Jorfi و Hakim

نشان دادند که الگوهای ارتباطی با وابستگی به فضای مجازی مرتبط هستند و نیازهای اساسی روان‌شناختی در این ارتباط نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند (Jorfi & Hakim, 2025). این یافته را می‌توان در چارچوب نظریه خودتعیین‌گری تبیین کرد؛ بر اساس این نظریه، محیط‌های اجتماعی زمانی بیشترین ظرفیت را برای رشد و سازگاری فرد فراهم می‌کنند که از نیازهای اساسی او به خودپیروی، شایستگی و ارتباط حمایت کنند (Ryan & Deci, 2024). خانواده‌ای که در آن فرد احساس پذیرش، احترام، ثبات و امکان بیان آزادانه خود دارد، زمینه بیشتری برای تجربه اختیار، احساس توانمندی و تعلق فراهم می‌کند. برعکس، ناامنی عاطفی، تعارض مستمر یا روابط پیش‌بینی‌ناپذیر ممکن است منابع روانی فرد را صرف مقابله با تهدید و تنش کند و در نتیجه فرصت ارضای نیازهای بنیادی کاهش یابد.

یافته دوم نشان داد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی اثر مستقیم مثبت و معناداری بر رابطه مثبت با خود دارد. به بیان دیگر، دانشجو-معلمانی که احساس بیشتری از اختیار، شایستگی و ارتباط با دیگران تجربه می‌کنند، رابطه مطلوب‌تری نیز با خویش‌داری دارند. این نتیجه با مبانی نظری خودتعیین‌گری سازگار است؛ زیرا ارضای نیازهای بنیادین نه تنها به بهزیستی عمومی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند ادراک فرد از ارزشمندی و کفایت خویش‌داری را نیز تقویت کند (Ryan & Deci, 2024). یافته‌های Sharifi Fard و همکاران نیز نشان داده‌اند که نیازهای اساسی روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی مرتبط هستند و استفاده اعتیادگونه از اینستاگرام می‌تواند در این رابطه نقش میانجی داشته باشد (Sharifi Fard et al., 2024). از سوی دیگر، نتایج Huang و همکاران درباره ارتباط آگاهی هیجانی، راهبردهای تنظیم هیجان و خودپذیری نیز مؤید آن است که کیفیت فرایندهای روان‌شناختی درونی می‌تواند با نحوه پذیرش و ارزیابی فرد از خویش‌داری ارتباط داشته باشد (Huang et al., 2024). در تبیین این یافته می‌توان گفت هنگامی که فرد احساس می‌کند در تصمیم‌های زندگی اختیار دارد، قادر به انجام مؤثر تکالیف است و روابط معناداری با دیگران دارد، این تجربیات به شکل‌گیری احساس کفایت، اصالت و خودپذیری کمک می‌کنند. بنابراین، رابطه مثبت با خود را می‌توان تا حدی پیامد تجربه مستمر ارضای نیازهای روان‌شناختی در تعامل با محیط دانست.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش نشان داد که ایمنی هیجانی در خانواده اثر مستقیم منفی و معناداری بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارد. این یافته با نتایج Sützen Keşen و همکاران همسو است که نشان دادند انسجام خانوادگی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد و شدت اضطراب می‌تواند بخشی از این رابطه را توضیح دهد (Sützen Keşen et al., 2025). همچنین، Jameel و همکاران نقش محیط خانواده را در رابطه میان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و مشکلات روان‌شناختی دانشجویان برجسته کرده‌اند (Jameel et al., 2026). یافته Zeinali و Zeinali نیز از اهمیت کارکرد خانواده در مدل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی حمایت می‌کند (Zeinali & Zeinali, 2023). افزون بر این، Wang و همکاران نشان دادند که فرزندپروری خشن می‌تواند از طریق دشواری در تنظیم هیجان و شناخت‌های ناسازگارانه با اعتیاد به اینترنت مرتبط باشد (Wang et al., 2024). در تبیین این نتیجه می‌توان گفت خانواده‌ای که برای فرد منبع امنیت، آرامش، ارتباط و حمایت عاطفی است، بخشی از نیازهای هیجانی و اجتماعی او را در فضای واقعی پاسخ می‌دهد و بنابراین احتمال اینکه شبکه‌های اجتماعی به ابزاری برای جبران کمبودهای ارتباطی یا فرار از تنش‌های خانوادگی تبدیل شوند کاهش می‌یابد. در مقابل، ناامنی در خانواده می‌تواند فرد را به سمت جست‌وجوی تعلق، بازخورد و آرامش در محیط‌های آنلاین سوق دهد.

یافته بعدی نشان داد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی اثر مستقیم منفی و معناداری بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارد. این نتیجه با یافته‌های Celikkaleli و Ata همسو است که نشان دادند نارضایتی از نیازهای اساسی روان‌شناختی و فقدان حمایت اجتماعی با استفاده مشکل‌زا از اینترنت ارتباط دارد (Celikkaleli & Ata, 2025). همچنین، Nigar و Can نیازهای اساسی روان‌شناختی را در کنار سبک دلبستگی و دشواری‌های تنظیم هیجان از عوامل مرتبط با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی گزارش کردند (Nigar & Can, 2025). نتایج Kurker و Surucu نیز نشان داد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط میان ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و اهمال‌کاری تحصیلی نقش دارد (Kurker & Surucu, 2024). Arslan و همکاران نیز در زمینه روابط بین‌فردی نشان دادند که نیازهای اساسی روان‌شناختی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و رفتار فابینگ در ارتباط هستند (Karaman & Arslan, 2024). این یافته را می‌توان چنین تبیین کرد

که افراد در صورت تجربه ناکامی در خودپيروي، شايستگي يا ارتباط، ممکن است براي جبران اين کمبودها به محيط‌هايي روي آورند که امکان دريافت سريع بازخورد، تجربه ارتباط يا ارائه تصويري مطلوب از خود را فراهم مي‌کنند. شبکه‌هاي اجتماعي دقيقاً چنين فرصت‌هايي را فراهم مي‌سازند؛ از اين رو، هرچه نيازهاي اساسي فرد در زندگي واقعي بيشتتر ارضا شود، وابستگي او به فضاي مجازي براي جبران اين نيازها کاهش مي‌يابد.

از ديگر يافته‌هاي پژوهش اين بود که اثر مستقيم رابطه مثبت با خود بر اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي، اگرچه در جهت منفي قرار داشت، از نظر آماري معنادار نبود. اين نتيجه نشان مي‌دهد که برخورداری از رابطه مثبت با خود به‌تنهائي براي تبیین کاهش اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي کافي نيست. با اين حال، اين يافته لزوماً به معنای بي‌اهميت بودن سازه‌هاي مرتبط با خود نيست. Akdağ و Ünsal نشان دادند که عزت نفس مي‌تواند در ارتباط ميان معنای زندگي و اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي نقش ميانجي ايفا کند (Akdağ & Ünsal, 2024). همچنين، فرتاحليل Zhang و همکاران نشان داد که اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي با عزت نفس پايين تر و نيز اضطراب، افسردگي، تنهائي و ترس از دست دادن مرتبط است (Zhang et al., 2025). بنابر اين، مي‌توان استدلال کرد که متغيرهاي مرتبط با خود احتمالاً بيش از آنکه به صورت مستقل بر رفتار اعتيادگونه اثر بگذارند، در تعامل با ساير منابع روان‌شناختي و محيطي عمل مي‌کنند. فرد ممکن است از خودپيروي يا اعتماد به نفس مطلوبي برخوردار باشد، اما در صورت ناکامي نيازهاي اساسي، فشار تحصيلي يا مشکلات ارتباطي همچنان در معرض استفاده افراطي از شبکه‌هاي اجتماعي قرار گيرد.

يافته بسيار مهم ديگر پژوهش نشان داد که ارضای نيازهاي اساسي روان‌شناختي در رابطه ميان ايمني هيچاني در خانواده و اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي نقش ميانجي معناداري دارد. اين نتيجه به‌طور مستقيم با مدل ارائه شده توسط Zeinali و Zeinali همخواني دارد که در آن نيازهاي اساسي روان‌شناختي به عنوان ميانجي ميان کارکرد خانواده و اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي مطرح شدند (Zeinali & Zeinali, 2023). همچنين، يافته Jorfi و Hakim درباره ميانجي گري نيازهاي اساسي در ارتباط الگوهاي ارتباطي با وابستگي به فضاي مجازي از اين تبیین حمايت مي‌کند (Jorfi & Hakim, 2025). بر اساس اين يافته، بخشی از تأثير خانواده بر اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي از طريق کيفيت تجربه روان‌شناختي فرد منتقل مي‌شود. خانواده امن مي‌تواند احساس اختيار، شايستگي و تعلق را تقويت کند و در نتيجه نياز فرد به جست‌وجوي اين تجربيات در فضاي مجازي کاهش يابد. در مقابل، ضعف امنيت هيچاني ممکن است موجب ناکامي نيازهاي بنيادي شود و شبکه‌هاي اجتماعي را به يکي از ابزارهاي جبراني در دسترس تبديل کند. چنين برداشتي با اصول نظريه خودتعيين گري نيز سازگار است که نقش محيط‌هاي حمايتگر را در ارضای نيازهاي روان‌شناختي و پيامدهاي سازگارانه بعدي برجسته مي‌سازد (Ryan & Deci, 2024).

در مقابل، ميانجي گري مستقل رابطه مثبت با خود در ارتباط بين ايمني هيچاني خانواده و اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي معنادار نبود. اين يافته نشان مي‌دهد که ايمني هيچاني خانواده الزاماً مستقيماً به تغيير در رابطه فرد با خود منجر نمي‌شود و احتمالاً براي انتقال اين اثر به سازوکارهاي روان‌شناختي واسطه‌اي نياز است. نتيجه پژوهش حاضر نشان مي‌دهد يکي از مهم ترين اين سازوکارها ارضای نيازهاي اساسي روان‌شناختي است. به عبارت ديگر، خانواده امن زماني مي‌تواند به تقويت رابطه مثبت فرد با خود منتهي شود که ابتدا زمينه تجربه اختيار، کفايت و تعلق را فراهم کند. اين تبیین با يافته‌هاي Huang و همکاران درباره نقش فرايندهاي هيچاني در خودپيروي قابل انطباق است (Huang et al., 2024) و با ديدگاه خودتعيين گري نيز سازگار است که تأکيد دارد کيفيت محيط اجتماعي از طريق تأثيرگذاري بر نيازهاي بنيادين به پيامدهاي روان‌شناختي بعدي منجر مي‌شود (Ryan & Deci, 2024).

از مهم ترين نتايج پژوهش حاضر، معنادار بودن مسير ميانجي متوالي ايمني هيچاني در خانواده به ارضای نيازهاي اساسي روان‌شناختي، سپس رابطه مثبت با خود و در نهايت اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي بود. اين يافته نشان مي‌دهد که ارتباط محيط خانوادگي با اعتياد به شبکه‌هاي اجتماعي فرايندي چندمرحله‌اي دارد. در نخستين مرحله، امنيت هيچاني خانواده شرايط مناسبی براي ارضای نيازهاي بنيادين فراهم مي‌کند؛ در مرحله بعد، ارضای اين نيازها مي‌تواند رابطه فرد با خود را تقويت کند و در ادامه، اين فرايند با کاهش گرايش به استفاده اعتيادگونه از

شبکه‌های اجتماعی همراه شود. این یافته با مطالعاتی که بر نقش زنجیره‌ای عوامل روان‌شناختی در رفتارهای مرتبط با رسانه‌های اجتماعی تأکید دارند همخوانی مفهومی دارد. Pamuk نشان داد که اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و خودکنترلی می‌تواند به صورت متوالی در ارتباط اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با مشکلات سازگاری روان‌شناختی نقش داشته باشند (Pamuk, 2026). همچنین، مطالعات مربوط به نیازهای بنیادین، خودتنظیمی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز بر وجود سازوکارهای چندمرحله‌ای تأکید دارند (Celikkaleli & Ata, 2025; Sharifi Fard et al., 2024). بنابراین، یافته حاضر بر ضرورت عبور از الگوهای ساده دومتغیری و توجه به زنجیره‌های روان‌شناختی پیچیده‌تر در تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

در سطح گسترده‌تر، نتایج پژوهش حاضر با شواهد مربوط به پیامدهای منفی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز سازگار است. مطالعات نشان داده‌اند که این نوع اعتیاد با کاهش موفقیت تحصیلی در دانشجویان ارتباط دارد (Salari et al., 2025) و می‌تواند با مشارکت تحصیلی کمتر، اختلال خواب و خستگی بیشتر همراه باشد (Khalaf et al., 2025). همچنین، Peng و Zheng ارتباط اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، استرس تحصیلی، کیفیت خواب و نشانه‌های اضطرابی را گزارش کرده‌اند (Zheng & Peng, 2025). مرور نظام‌مند Zhan و Zhu نیز نشان داده است که اعتیاد به ویدئوهای کوتاه در دانشجویان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، روان‌شناختی و محیطی قرار دارد (Zhan & Zhu, 2025). این شواهد از این دیدگاه حمایت می‌کنند که درک اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیازمند یک رویکرد چندسطحی است که هم‌زمان عوامل خانوادگی، روان‌شناختی و رفتاری را مدنظر قرار دهد.

همچنین، نتیجه پژوهش حاضر درباره نقش عوامل روان‌شناختی و خانوادگی با شواهد مداخله‌ای سازگار است. Abbas و همکاران نشان دادند که مداخلات شناختی-رفتاری برای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با بهبود مشکلات روان‌شناختی، کیفیت روابط خانوادگی و عملکرد تحصیلی همراه باشند (Abbas et al., 2026). از سوی دیگر، Esmaeili Anamagh و همکاران نشان دادند که نیاز به بازخورد اجتماعی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در تبیین برخی پیامدهای اجتماعی کاربران اینستاگرام نقش داشته باشند (Esmaeili Anamagh et al., 2025). این یافته‌ها در کنار نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مداخلات مؤثر بهتر است صرفاً بر کاهش زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تمرکز نکنند، بلکه به نیازهای زیربنایی فرد، کیفیت روابط خانوادگی، منابع خودتنظیمی و رابطه فرد با خویشان نیز توجه داشته باشند.

از نظر روش‌شناختی، برآزش مطلوب مدل نهایی نشان می‌دهد که ترکیب متغیرهای خانوادگی و روان‌شناختی در قالب یک مدل ساختاری می‌تواند چارچوب مناسبی برای تبیین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی فراهم کند. مدلیابی معادلات ساختاری امکان بررسی هم‌زمان روابط مستقیم و غیرمستقیم و آزمون سازوکارهای میانجی را فراهم می‌سازد و برای آزمون مدل‌های نظری چندمتغیری مناسب است (Hair et al., 2025). در پژوهش حاضر نیز استفاده از این رویکرد نشان داد که برخی روابط که در سطح مستقیم معنادار نبودند، در قالب مسیرهای غیرمستقیم و متوالی می‌توانند اهمیت پیدا کنند. این موضوع به‌ویژه در مورد رابطه مثبت با خود قابل مشاهده بود؛ زیرا این متغیر به‌طور مستقیم اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را پیش‌بینی نکرد، اما در مسیر غیرمستقیم متوالی دارای نقش معنادار بود. بنابراین، تفسیر پدیده اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی تنها بر اساس ضرایب مستقیم می‌تواند تصویر ناقصی از سازوکارهای روان‌شناختی درگیر ارائه دهد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ایمنی هیجانی در خانواده یکی از زمینه‌های مهم مرتبط با کاهش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی است، اما بخش مهمی از نقش آن از طریق ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی منتقل می‌شود. ارضای این نیازها نیز علاوه بر ارتباط مستقیم با کاهش اعتیاد، با تقویت رابطه مثبت با خود همراه است و از این طریق بخشی دیگر از رابطه میان محیط خانواده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. بنابراین، الگوی به‌دست‌آمده از این دیدگاه حمایت می‌کند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانشجو-معلمان حاصل برهم‌کنش میان زمینه خانوادگی و فرایندهای روان‌شناختی فردی است و برای شناخت و پیشگیری از آن باید هم‌زمان به سطح خانواده، ارضای نیازهای بنیادین و کیفیت رابطه فرد با خویشان توجه شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست، مطالعه بر دانشجوی-معلمان دانشگاه فرهنگیان شیراز انجام شد؛ بنابراین، تعمیم یافته‌ها به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها، گروه‌های سنی دیگر و جمعیت‌های دارای زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، ماهیت مقطعی و همبستگی پژوهش امکان استنباط قطعی روابط علی میان متغیرها را محدود می‌کند و جهت روابط مشاهده‌شده را نمی‌توان با اطمینان کامل تعیین کرد. سوم، داده‌ها با استفاده از ابزارهای خودگزارشی گردآوری شدند؛ بنابراین، احتمال تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی، خطای یادآوری و تفاوت‌های فردی در ادراک سؤال‌ها وجود دارد. علاوه بر این، میزان واقعی استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی یا داده‌های عینی مربوط به الگوی استفاده کاربران اندازه‌گیری نشد و نتایج بر پایه ارزیابی‌های پرسشنامه‌ای شرکت‌کنندگان استوار بود.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده این مدل را در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و در گروه‌های سنی، فرهنگی و اجتماعی متنوع تکرار کنند تا میزان پایداری و قابلیت تعمیم مدل بررسی شود. استفاده از طرح‌های طولی می‌تواند به روشن‌تر شدن توالی زمانی متغیرها و جهت روابط میان ایمنی هیجانی خانواده، ارضای نیازهای روان‌شناختی، رابطه مثبت با خود و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی کمک کند. همچنین، به‌کارگیری روش‌های ترکیبی و مصاحبه‌های عمیق می‌تواند درک دقیق‌تری از تجربه کاربران و انگیزه‌های آنان برای استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی فراهم سازد. بررسی متغیرهای دیگری مانند تنظیم هیجان، خودکنترلی، تنهایی، حمایت اجتماعی، سبک دلبستگی، ترس از دست دادن، اهمال‌کاری تحصیلی و کیفیت خواب نیز می‌تواند مدل تبیینی جامع‌تری ارائه دهد. افزون بر این، استفاده از شاخص‌های عینی مانند زمان ثبت‌شده استفاده از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند دقت یافته‌ها را افزایش دهد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره دانشگاهی برنامه‌هایی طراحی کنند که به‌طور هم‌زمان بر روابط خانوادگی، نیازهای روان‌شناختی و کیفیت رابطه دانشجویان با خود تمرکز داشته باشند. آموزش مهارت‌های ارتباطی به خانواده‌ها، تقویت حمایت عاطفی، کاهش تعارض‌های فرساینده و ایجاد فضای امن برای بیان نیازها می‌تواند بخشی از این برنامه‌ها باشد. در سطح فردی نیز مداخلاتی که فرصت تجربه خودپیروی، احساس شایستگی و تعلق را افزایش می‌دهند و هم‌زمان بر خودپذیری، قاطعیت، اصالت و رضایت درونی تمرکز دارند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. همچنین، به جای تمرکز صرف بر محدود کردن زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های پیشگیرانه بهتر است دلایل روان‌شناختی و ارتباطی استفاده افراطی را شناسایی کنند و برای دانشجوی-معلمان فرصت‌های جایگزین جهت تجربه ارتباط معنادار، شایستگی، مشارکت اجتماعی و تنظیم هیجان فراهم سازند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز است. و پس از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و با رعایت اصول محرمانگی، حفظ حریم خصوصی و صیانت از اطلاعات آنان انجام شد. همچنین، اجرای پژوهش با دریافت تأییدیه اخلاق از دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز و تحت شناسه اخلاق IR.US.PSYEDU.REC.1405.037 صورت گرفت.

Extended Abstract

Introduction

The rapid expansion of social networking platforms has fundamentally transformed communication, information exchange, interpersonal relationships, identity expression, and everyday social participation. Although these platforms provide considerable opportunities for maintaining relationships, accessing information, and facilitating educational and professional interactions, excessive and poorly controlled use

may develop into social media addiction. This pattern is typically characterized by persistent preoccupation with social media, difficulty regulating use, increasing time spent online, discomfort when access is restricted, and continued use despite adverse psychological, interpersonal, or academic consequences (Amirthalingam & Khera, 2024). Recent evidence indicates that problematic social media use is a multidimensional phenomenon influenced by individual, interpersonal, emotional, and environmental factors rather than merely the amount of time individuals spend online (Zhan & Zhu, 2025).

University students constitute a particularly vulnerable population because the university period involves substantial changes in autonomy, social relationships, academic responsibilities, identity development, and lifestyle. Social networking platforms may serve as useful resources for maintaining social connections and accessing educational content, but they may also become maladaptive coping mechanisms when students experience psychological distress or unmet interpersonal needs. Meta-analytic evidence has shown that social networking addiction is associated with poorer academic achievement among university students (Salari et al., 2025). Other studies have indicated that social media addiction is related to reduced academic engagement, poorer sleep quality, and greater fatigue (Khalaf et al., 2025), while the combination of social media addiction, academic stress, and impaired sleep has been associated with elevated anxiety symptoms among students (Zheng & Peng, 2025). Furthermore, systematic and meta-analytic evidence has demonstrated associations between social media addiction and anxiety, depression, fear of missing out, loneliness, and lower self-esteem (Zhang et al., 2025). These findings emphasize that social media addiction represents not only a behavioral problem but also an important educational and psychological concern.

The mechanisms underlying social media addiction appear to be complex. Psychological processes such as craving and self-control may sequentially contribute to the association between social media addiction and psychological adjustment problems (Pamuk, 2026). Evidence from intervention research also suggests that reducing problematic social media use through cognitive-behavioral approaches may be accompanied by improvements in psychological functioning, family relationships, and academic performance (Abbas et al., 2026). Therefore, identifying contextual and psychological mechanisms that contribute to the development or maintenance of social media addiction may provide a stronger basis for prevention and intervention than focusing solely on reducing screen time.

Family relationships constitute one potentially important contextual factor. The family is a primary social environment in which individuals experience emotional security, belonging, acceptance, support, and interpersonal regulation. Recent studies have highlighted the importance of family context in social media addiction. The family environment has been found to play an important role in the relationship between social media addiction and depression and anxiety among university students (Jameel et al., 2026). Likewise, family cohesion is associated with social media addiction, with anxiety severity serving as an explanatory mechanism in this relationship (Süzen Keşen et al., 2025). Family functioning has also been incorporated into explanatory models of social networking addiction through psychological mechanisms such as satisfaction of basic psychological needs (Zeinali & Zeinali, 2023). Moreover, dysfunctional family experiences, including harsh parenting, may contribute to problematic internet use through emotion-regulation difficulties and maladaptive cognitions (Wang et al., 2024). These findings suggest that emotional security within the family may act as an important protective resource against maladaptive reliance on virtual environments.

One mechanism through which family emotional security may influence social media addiction is satisfaction of basic psychological needs. According to self-determination theory, autonomy, competence, and relatedness are universal psychological needs essential for healthy motivation, adjustment, and psychological well-being (Ryan & Deci, 2024). When these needs are adequately satisfied in real-life interpersonal contexts, individuals are more likely to experience personal agency, effectiveness, and meaningful social connection. Conversely, dissatisfaction of these needs may increase attempts to obtain belonging, competence, validation, or control

from alternative contexts, including online environments. Research has demonstrated that basic need dissatisfaction and insufficient social support are associated with problematic internet use (Celikkaleli & Ata, 2025). Basic psychological needs have also been linked to social media addiction alongside attachment patterns and emotion-regulation difficulties (Nigar & Can, 2025). Moreover, social media addiction has been identified as a mediator between basic psychological need satisfaction and academic procrastination (Kurker & Surucu, 2024), while similar relationships have been observed between psychological needs, social media addiction, phubbing, and relationship satisfaction (Karaman & Arslan, 2024). Communication patterns may also influence dependence on virtual environments through basic psychological needs (Jorfi & Hakim, 2025). Another potentially important mechanism is the individual's relationship with the self. A positive relationship with oneself involves dimensions such as self-acceptance, confidence, authenticity, assertiveness, and internal satisfaction. Individuals who possess a more stable and accepting relationship with themselves may be less dependent on constant external validation, whereas individuals whose self-evaluation is more vulnerable may increasingly seek feedback, approval, and reassurance through social networking platforms. Self-esteem has been shown to mediate the relationship between meaning in life and social media addiction (Akdağ & Ünsal, 2024), while emotional awareness and emotion-regulation strategies have been associated with self-acceptance (Huang et al., 2024). Similarly, the need for social feedback and addiction to social networks may contribute to explaining social functioning among social media users (Esmaeili Anamagh et al., 2025). Satisfaction of basic psychological needs has also been associated with psychological well-being through processes involving Instagram addiction (Sharifi Fard et al., 2024). Collectively, these findings suggest that family emotional security, psychological need satisfaction, and the individual's relationship with the self may form an interconnected explanatory pathway underlying social media addiction. Structural equation modeling provides an appropriate framework for examining such simultaneous direct and indirect relationships within a theoretically integrated model (Hair et al., 2025). Accordingly, the present study aimed to explain social media addiction based on emotional security in the family through the sequential mediating roles of basic psychological need satisfaction and positive relationship with self among student teachers at Farhangian University of Shiraz.

Methods and Materials

The study employed a descriptive-correlational design based on structural equation modeling. The statistical population consisted of student teachers enrolled at Farhangian University of Shiraz during the 2025–2026 academic year. Participants were selected through multistage cluster sampling. Initially, 480 questionnaires were collected. After data screening and identification of multivariate outliers using Mahalanobis distance, 12 cases were excluded, leaving data from 468 participants for the final analyses. Participation was voluntary, informed consent was obtained, and confidentiality and privacy were maintained throughout the study.

Data were collected using four standardized instruments: the Social Network Addiction Scale, the Security in the Family System Scale, the Basic Psychological Need Satisfaction Scale, and the Positive Self-Relation Scale. Construct validity of the instruments was assessed using confirmatory factor analysis, and internal consistency was evaluated using Cronbach's alpha coefficients. The final retained measurement structures demonstrated acceptable psychometric properties. Data analysis was conducted using SPSS version 27 and AMOS version 27. Structural equation modeling was used to examine direct relationships among emotional security in the family, basic psychological need satisfaction, positive relationship with self, and social media addiction. Bootstrap procedures were employed to evaluate indirect and sequential mediation effects. Model adequacy was assessed using multiple goodness-of-fit indices.

Findings

The final structural model demonstrated satisfactory goodness of fit, with $\chi^2/df=2.21$, AGFI=0.87, IFI=0.93, GFI=0.91, CFI=0.93, RMSEA=0.049, and PCLOSE=0.0561. Emotional security in the family had a

significant positive direct effect on basic psychological need satisfaction ($\beta=0.642$, $p=0.001$), whereas its direct effect on positive relationship with self was not statistically significant ($\beta=0.090$, $p=0.098$). Emotional security in the family also had a significant negative direct effect on social media addiction ($\beta=-0.233$, $p=0.002$).

Basic psychological need satisfaction had a strong positive direct effect on positive relationship with self ($\beta=0.800$, $p=0.001$) and a significant negative direct effect on social media addiction ($\beta=-0.418$, $p=0.002$). However, the direct effect of positive relationship with self on social media addiction was negative but statistically non-significant ($\beta=-0.061$, $p=0.592$).

Bootstrap analysis showed that emotional security in the family had a significant indirect effect on social media addiction through basic psychological need satisfaction ($\beta=-0.268$, $p=0.001$; 95% CI: -0.381 to -0.162). In contrast, the indirect effect of emotional security through positive relationship with self alone was not significant ($\beta=-0.006$, $p=0.482$). Importantly, the sequential indirect pathway from emotional security in the family through basic psychological need satisfaction and subsequently positive relationship with self to social media addiction was statistically significant ($\beta=-0.031$, $p=0.038$; 95% CI: -0.067 to -0.002). In addition, the indirect effect of basic psychological need satisfaction on social media addiction through positive relationship with self was significant ($\beta=-0.049$, $p=0.010$). Emotional security in the family explained 41.2% of the variance in basic psychological need satisfaction; emotional security and psychological need satisfaction jointly explained 63.4% of the variance in positive relationship with self; and the complete model explained 34.2% of the variance in social media addiction.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that social media addiction among student teachers is associated with an interconnected system of family and psychological processes. Emotional security within the family emerged as an important protective factor, both through its direct negative association with social media addiction and through its contribution to satisfaction of basic psychological needs. A family environment characterized by emotional stability, acceptance, support, and predictable relationships may reduce the tendency to rely excessively on social networking platforms as alternative sources of belonging, reassurance, or emotional relief.

Basic psychological need satisfaction appeared to occupy a central position in the model. Students who experienced greater autonomy, competence, and relatedness demonstrated a more positive relationship with themselves and lower levels of social media addiction. This finding suggests that when fundamental psychological needs are adequately fulfilled in real-life contexts, individuals may have less motivation to use social media excessively to compensate for unmet needs. The strong pathway from psychological need satisfaction to positive self-relation further suggests that experiences of agency, competence, and meaningful interpersonal connection contribute to a more accepting, confident, and internally satisfying relationship with oneself.

Positive relationship with self did not independently predict social media addiction when the other variables were simultaneously considered. However, its significant role within the sequential mediation pathway indicates that its contribution should not be regarded as negligible. Rather, its effect appears to depend on broader psychological processes. Emotional security in the family may first facilitate satisfaction of basic psychological needs, which subsequently supports a more positive relationship with the self, and this chain of psychological resources may ultimately be associated with reduced social media addiction.

The significant sequential mediation therefore constitutes an important finding of the study. It suggests that the association between the family environment and problematic social media use is not merely direct but may develop through successive psychological mechanisms. Family emotional security may provide the interpersonal foundation for need satisfaction; satisfaction of these needs may strengthen self-acceptance,

confidence, authenticity, and internal satisfaction; and these resources may reduce dependence on online feedback and virtual social reinforcement.

Overall, the findings support a multidimensional understanding of social media addiction among student teachers. Preventive and intervention programs should therefore move beyond simple restrictions on social media use and address the psychological and relational conditions underlying excessive engagement. Strengthening emotional security in family relationships, creating opportunities for autonomy, competence, and meaningful relatedness, and promoting a healthier relationship with oneself may together contribute to more adaptive patterns of social media use. The study consequently highlights basic psychological need satisfaction as a particularly important mechanism linking family emotional security with social media addiction and identifies positive self-relation as a meaningful component of the broader sequential process through which family and psychological resources may protect student teachers against maladaptive social media involvement.

References

- Abbas, Q., Iftekhhar, I., Riaz, A., Kareem, A., Maryam, R., Tabassum, U., & Abu-AlKhair, F. (2026). A Clinical Trial of Cognitive Behavioral Interventions for Social Media Addiction, Psychological Problems, Quality of Family Relationships and Academic Performance among University Students. *Discover Mental Health*, 6, 124.
- Akdağ, B., & Ünsal, C. (2024). The Mediating Role of Self-Esteem between Meaning in Life and Social Media Addiction. *Addicta: The Turkish Journal On Addictions*, 11(1), 99-104. <https://doi.org/10.5152/addicta.2024.23126>
- Amirthalingam, J., & Khera, A. (2024). Understanding Social Media Addiction: A Deep Dive. *Cureus*, 16(10), e72499. <https://doi.org/10.7759/cureus.72499>
- Celikkaleli, O., & Ata, R. (2025). The Effect of Basic Need Dissatisfaction and Lack of Social Support on Problematic Internet Use in Emerging Adults: The Mediating Role of Regulatory Emotional Self-Efficacy. *Acta Psychologica*, 254, 104857. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2025.104857>
- Esmaeili Anamagh, B., Atadokht, A., Basharpour, S., & Mikaeili, N. (2025). Social Health and Fashion Trend: The Mediating Role of the Need for Social Feedback and Addiction to Social Networks in Instagram Users. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 14(5), 41-52. <https://doi.org/10.29252/ryj.14.5.41>
- Hair, J. F., Babin, B. J., Ringle, C. M., Sarstedt, M., & Becker, J. M. (2025). Covariance-Based Structural Equation Modeling (CB-SEM): A SmartPLS 4 Software Tutorial. *Journal of Marketing Analytics*. <https://doi.org/10.1057/s41270-025-00414-6>
- Huang, Z., Chen, S., & Chen, H. (2024). Relationship between Emotional Awareness and Self-Acceptance: The Mediating Role of Emotion Regulation Strategies. *Current Psychology*, 43(30), 24906-24914. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-06123-y>
- Jameel, A., Xu, H., Guo, W., & Malik, S. (2026). The Effects of Social Media Addiction on Depression and Anxiety among University Students: The Mediating Role of Family Environment. *Scientific reports*, 16, 14878.
- Jorfi, H., & Hakim, A. (2025). The Relationship between Communication Patterns and Dependence on Virtual Space: With the Mediating Role of Basic Psychological Needs. *Journal of Educational Psychology Studies*, 22(58), 51-73. <https://doi.org/10.22111/jeps.2025.47857.5651>
- Karaman, H. B., & Arslan, C. (2024). The Mediating Role of Social Media Addiction and Phubbing in Basic Psychological Needs in Relationships and Relationship Satisfaction. *Frontiers in psychology*, 15, 1291638. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1291638>
- Khalaf, M. A. A., Omar, A. I., Abdulle, A. W., & Mohamud, M. A. (2025). Social Media Addiction and Academic Engagement: The Role of Sleep Quality and Fatigue among University Students in Somalia. *Frontiers in Education*. <https://doi.org/10.3389/feduc.2025.1614746>
- Kurker, F., & Surucu, A. (2024). Social Media Addiction Mediates the Relationship between Basic Psychological Needs Satisfaction and Academic Procrastination. *Psychology in the Schools*, 61(7), 2701-2721. <https://doi.org/10.1002/pits.23190>
- Nigar, S., & Can, F. (2025). Examining the Social Media Addiction in Terms of Attachment Styles, Difficulties in Emotion Regulation and Basic Psychological Needs. *Abant Sosyal Bilimler Dergisi*, 25(2).
- Pamuk, M. (2026). Investigation of the Serial Mediation Roles of Social Media Craving and Self-Control in the Relationship between Social Media Addiction and Psychological Adjustment Problems of University Students. *Current Psychology*, 45, 312.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2024). Self-Determination Theory. In *Encyclopedia of quality of life and well-being research* (pp. 6229-6235). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_2630

- Salari, N., Zarei, H., Rasoulpoor, S., Ghasemi, H., Hosseinian-Far, A., & Mohammadi, M. (2025). The Impact of Social Networking Addiction on the Academic Achievement of University Students Globally: A Meta-Analysis. *Public Health in Practice*, 9, 100584.
- Sharifi Fard, S. A., Griffiths, M. D., Mohseni, F., Nabi Zadeh, S., & Ali Babaei, G. (2024). Basic Psychological Needs and Psychological Well-Being: The Mediating Role of Instagram Addiction. *Journal of Technology in Behavioral Science*, 9(2), 171-179. <https://doi.org/10.1007/s41347-023-00313-6>
- Süzen Keşen, F. N., Koçak, O., Keşan, M., & Solmaz, U. (2025). The Mediating Role of Anxiety Severity in the Relationship between Family Cohesion and Social Media Addiction. *Journal of Evidence-Based Social Work*, 22(5), 636-657. <https://doi.org/10.1080/26408066.2025.2480398>
- Wang, H., Liu, H., Zhou, L., Bi, X., Tao, J., Jiang, Y., & Zhang, R. (2024). Harsh Parenting and Internet Addiction: The Chain Mediating Effect of Emotional Regulation Difficulties and Maladaptive Cognitions. *Perspectives in psychiatric care*, 2024(1), 7334182. <https://doi.org/10.1155/2024/7334182>
- Zeinali, Z., & Zeinali, A. (2023). Model of Social Networks Addiction: The Role of Family Functioning with the Mediation of Basic Psychological Needs. *Social Psychology Research*, 12(48), 21-34. <https://doi.org/10.22034/spr.2023.374513.1796>
- Zhan, X., & Zhu, W. (2025). Influencing Factors of Short-Form Video Addiction among Chinese University Students: A Systematic Review. *Frontiers in psychology*, 16, 1663670.
- Zhang, J., Wang, Y., Zhou, L., Wu, J., Li, H., & Zhu, T. (2025). Correlations between Social Media Addiction and Anxiety, Depression, FoMO, Loneliness and Self-Esteem among Students: A Systematic Review and Meta-Analysis. *PLoS One*, 20(9), e0329466.
- Zheng, G., & Peng, H. (2025). The Effects of Social Media Addiction, Academic Stress, and Sleep Quality on Anxiety Symptoms: A Cross-Sectional Study of Chinese Vocational Students. *Psychology research and behavior management*, 18, 1571-1584. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S522652>